

منصف مقال

در زمینه ادبیات آذربایجان

پروفسور محمد حریبی اکبری -

۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	۱. هرمنوتیک سهندیه
۱۳.....	چکیده
۱۵.....	مقدمه
۲۰.....	پدیدار شدن شاهکار
۲۳.....	نمادشناسی و ساختار معنایی اسطوره‌ای
۴۱.....	کهن‌نگوی فرهنگ آذربایجانی
۴۷.....	نتیجه
۵۵.....	مآخذ
۵۹.....	استاد شریارین شکلی
۶۱.....	سهندیم
۷۳.....	۲. هرمنوتیک و علوم انسانی اجتماعی
۷۳.....	خلاصه
۸۸.....	منابع و مآخذ
۹۱.....	۳. دبستان انتقادی و هرمنوتیک
۹۱.....	خلاصه
۱۱۹.....	۴. دو شاهکار شهریار
۱۲۷.....	نمایه‌ی مقایسه‌ای دو شاهکار
۱۳۶.....	منابع و مآخذ:
۱۳۷.....	۵. جهان‌بینی شعر بارز
۱۳۷.....	بخش اول
۱۴۲.....	بخش دوم
۱۵۰.....	منابع
۱۵۱.....	۶. آذربایجانین چاغداش شعرینه اؤتری بیر باخیش

۱۵۳.....	سوسیولوژیک تئوری چرچیوہ سی
۱۵۷.....	سۇنمز
۱۶۰.....	بارز
۱۶۴.....	باریشماز
۱۶۸.....	سحر
۱۷۱.....	یانیز
۱۷۵.....	موغن
۱۸۰.....	ناصر مرقاتی
۱۸۷.....	سونوج
۱۸۸.....	قاینقلار
۱۹۱.....	۷. اونودولماز مکیم لیز
۲۲۴.....	گۆزللرین آخره قالمیشلار رنیه شکیلی

پیشگفتار

"جهانی شدن"^۱ و سلطه یابی بی‌محابای آن، هرکسی را که در پی شناخت درست و دقیق است وامی‌دارد، مسائل را از "دیدگاه سیستمی" بررسی کند. چه، درهم تنیدگی انواع روابط میان جوامع گوناگون به حدی رسیده که حتی منزوی‌ترین واحدهای اجتماعی نیز از تأثیرات این پدیده که شتابگیر جهان محول‌تر می‌شود، در امان نیستند. ذهن‌های مجهز به "بینش سیستمی" هر پدیده‌ای را هرچند جزئی و کم دامنه، از دو جنبه "درون سیستمی" و "برون سیستمی" بررسی می‌کنند. این امر در زمانه‌ی ما ضرورت وجودی خود را تا جایی رسانده که مرزها از نوعی "جبر شناختی" سخن به میان آورد؛ یعنی بررسی عوامل مؤثر، و هر پدیده، هرگاه فقط معطوف عوامل درون سیستمی و یا برون سیستمی نباشد. رایج حاصله به یقین ناقص و نادرست از آب درمی‌آید.

بدیهی است که این واقعیت فرا در پدیده‌های ادبی را نیز دربر می‌گیرد. چرا که آثار ادبی، چیزی جز بازتاب واقعیت‌های جاری و ساری نیستند. به عبارت دیگر هر اثر ادبی یک "پدیده‌ی تبعی"^۲ است. پس از پدیدار شدن "پدیده" است که بازتابانند هنرمندانه آن انواع آثار ادبی را به جود می‌آورد. بی‌سبب نیست که "اوسپ بریک"^۳ یکی از پیشتازان فلسفه‌ی نوین بر آن است

^۱جهانی شدن: Globalization

^۲پدیده‌ی تبعی: epiphenomenon

^۳اوسپ بریک: Osip Brik

که: بدون پوشکین^۱ نیز، رمان "اوژن اونیگین"^۲ نوشته می‌شد. کنش متقابل میان گذرایی درنگ‌ناپذیر زمان و پویایی اجتماعی، مجالی برای تحجر، واپسگرایی و حتی حرکت‌های کند و بطئی باقی نمی‌گذارد. ناگفته پیداست که شتابگیری حرکت اجتماعی و تبعات آن، هزینه‌های انسانی خاص خود را دارد. اینجاست که ادبیات و هنر برای درمان دردهای ناشی از دگرگونی‌های اجتماعی آستین بالا می‌زنند. فرآورده‌های ادبی و هنری از سالم‌ترین و سازنده‌ترین تأمل‌کنندگان نیازهای معنوی انسان هستند، چنان اثربخش و بااهمیت که "ادبیات - رمان"، "موسیقی درمانی"، "کاردرمانی" و ... در ردیف "روان‌درمانی" دخیل آید و گاه لطیف‌تر و دل‌نشین‌تر از آن عمل می‌کند.

توجه به خویشتن‌نگاری فرآورده‌های ادبی و هنری در زمان معاصر به این معنی نیست که "قوانین ذاتی"^۳ ادب و هنر مغفول بماند. ادبیات در بدایت امر برای جلب توجه به زیبایی، آفرینش زیبایی و لذت بردن از زیبایی به وجود آمده است. به همین دلیل حتی انحراف ادبی از جنبه‌های زیبایی شناسانه اجزاء زبان که فورمالیست‌ها آن را "آشنایی زدایی" می‌نامند، خللی در قوانین ذاتی ادبیات ایجاد نمی‌کند. البته تنش پویا میان ادبیات و جامعه در فرآوردن آثار ادبی و هنری به خویشتن‌نگاری خویش ادامه می‌دهد.

جهت‌گیری‌های کلی فرهنگ جامعه طی دوره‌های گوناگون تغییر می‌یابد. آثار ادبی و هنری در راستای جهت‌گیری کلی فرهنگ پیش‌رو و بهتر معنی می‌دهد، یعنی ارزش‌های زیبایی شناسانه هر دوران در هماهنگی با اندیشه‌ها و ارزش داورهای مسلط شکوفا شده، گل می‌کنند. البته ارزش‌های هر دوره،

^۱ پوشکین: Alexandre pūškin

^۲ اوژن اونیگین: Eugène Oniégue

^۳ قوانین ذاتی: Immanent Laws

نه تنها برای همیشه نمی‌پایند، بلکه طی چند دوره هم به یک شکل نمی‌مانند. ضرب‌المثل ترکی آذربایجانی در این مورد بسیار جاندار و گویاست: «هر گونون بیر حُکمی وارا!»؛ یعنی هر روزی (هر دوره‌ای)، حُکم خاص خود را دارد.

از اواخر سده نوزدهم، به‌ویژه از سده بیستم به این طرف پایه‌های فزونی یافتن شناخت علمی، بررسی و تحلیل علمی آثار ادبی و هنری هم اعتلا یافته‌اند؛ یعنی متفاوت از ادوار پیشین، گرایش کلی فرهنگ‌های جوامع پیشرفته که ترقی خواه را آرمان خویش ساخته‌اند، با گرمی داشت و اولویت دادن به ارزش‌های واقع‌گرایانه، مردم‌گرایانه و انسان دوستانه به این مهم می‌پردازند. همین تحولات با «استراندین آگاهی اجتماعی، مفاهیم «ادبیات متعهد» و «ادبیات جهت‌دار»^۱ را پیش کشیده‌اند. مباحث تندوتیزی در این زمینه در گرفته و هواداران مفاهیم جدید و اولاد مطرح کرده‌اند: در دوره‌های مبارزه طبقاتی، نه ادبیاتی وجود دارد و نه می‌تواند وجود داشته باشد که به اصطلاح غیر سیاسی شناخته بشود. هرچند مدعیان این نظر را «یکال‌هایی مانند «آندره ژدانف»^۲ هستند، صاحب‌نظرانی چون «هارولد لاسکی»^۳ بریتانیایی و «آلین تافلر»^۴ آمریکایی و دیگر اندیشمندان غربی هم قدرت «موضوع سیاست دانسته و آن را «وجه اجتناب‌ناپذیر هر عمل یا رابطه انسانی»^۵ تریف می‌کنند. از نظر آنان هیچ کاری، یا حتی هیچ نمادی نمی‌توان یافت که غیر سیاسی باشد. از بدو شکل‌گیری بازتاباندهای زیبایی تا امروز نحله‌ها، نظریه‌ها و دیرینه‌های متنوع

^۱ Andrey Zhadanov

^۲ Harold Joseph Laski

^۳ Alvin Toffler

و متعددی برخاسته‌اند. ولی از آنجایی که هیچ‌یک به تنهایی نتوانسته‌اند نیازهای انسانی را پوشش دهند، جای خود را به نظریه‌ها و دبستان‌های جدیدتر داده‌اند. "انتقاد" عامل اصلی سوق دادن نظریه‌ها به سوی تشکیل و تکوین نظریه‌های رقابتگر شده که بعضی از آن‌ها حتی به مطالبات قوانین ذاتی پدیده‌های ادبی و هنری کم توجه بوده‌اند. چنانکه هانس «گئورگ گادامر»^۱ ابراز می‌دارد؛ هنر و زیبایی برای لذت بردن نیست، بلکه افشای وجود است. اثر هنری پدیداری است که به مدد آن جهان را بازمی‌شناسیم. این پدیدارشناس نامدار، با برداشت خاص خود از هرمنوتیک چنین موضعی اتخاذ می‌کند. البته هرمنوتیک مفهوم تازه و نوگانه‌ای نیست و دارای ابعاد تاریخی و فلسفی ریشه‌داری است. هرمنوتیک مدرن، اسناد و تأویل را از هم جدا نمی‌کند. با این همه انطباق باورهای اگزیستانسیالیستی با پدیدارشناسی، برداشت امروزی‌تر و جامع‌تری از هرمنوتیک ارائه می‌دهد. از آنجایی که هر "وجودی" واقعیت‌مند، موقعیت‌مند و زبان‌مند است، در صورت انکار یا نادیده گرفته شدن "وجود" پدیده، تبعات تاریخی بودن آن به صورت نیرویی سلطه‌پذیر به خویشکاری خویش ادامه می‌دهد که در نظریه تأویلی اهمیت بس‌ظرف دارد. از این رو هرمنوتیک به عنوان نظریه‌ای که در تحلیل موضوع‌ها و پدیده‌های خرد بکار می‌رود، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. به‌ویژه در کارها، اشیا، بکارهای هنری و ادبی که یگه و بی‌همتا بودن بارزترین ویژگی آن‌هاست.

انتشار مقاله "هرمنوتیک سهندیه" به صورتی که در اختیار حلقه‌های غیردانشگاهی و علاقه‌مندان ادبیات و جامعه‌شناسی ادبیات هم قرار گیرد، به چند دلیل انجام می‌پذیرد: نخست، برای نمایاندن عظمت و قدرت خلاقه شهریار ملک سخن، استاد شهریار. دوم، برای بیرون کشیدن ساختار معنایی و

پیام‌های نهفته در این اثر بی‌بدیل. سوّم، برای آشنایی با هرمنوتیک و کاربرد آن به مثابه یکی از نظریه‌های کلاسیک و درعین حال باب روز علوم اجتماعی. از آنجایی که مباحث به عمل آمده درباره هرمنوتیک یا "سفرنگ" بسیار گسترده و چندبُعدی است، تجدید چاپ مقالات "هرمنوتیک و علوم انسانی و اجتماعی" و "دبستان انتقادی و هرمنوتیک" که هر دو در مجله علمی-پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد منتشر شده‌اند نیز برای آشنایی بیشتر با این نظریه، تالی از فایده نمی‌نماید. مقاله "دو شاهکار شهریار" هم به‌نوعی ادامه و مکمل معنای برترین اثر استاد است. سه مقاله آخر با آوردن نمونه‌هایی از ادبیات معاصر آذربایجان، با چهارمقاله اول ربط محتوایی دارند. مقاله مربوط به استاد عباس سلامی (ربارز) مصداقی از اشعار سنتی و مقاله "نگرشی گذرا به شعر معاصر آذربایجان" مصادیقی از اشعار نو را ارائه می‌نماید. مقاله‌ی "اونودولماز حکیم لر ییر" با عبیری که ادبیات را منحصر به شعر یا آثار هنری نمی‌شناسد، نوشته شده که ضمن عرضه نمونه‌ای از نثر ترکی آذربایجانی، تمجید و تجلیلی است از خادمین این خله که نقد وجودشان را صرف بهبود و بهروزی انسان‌ها کرده‌اند.

م.ح. الف

تبریز - ۱۳۹۸/۵/۲۱